

تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقاء

حسن ترابی^۱ | فاطمه احمدی^۲

چکیده

جنگ شناختی یکی از ابعاد نوظهور و پیچیده‌ی جنگ‌های نوین است که با بهره‌گیری از فناوری‌های دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی و عملیات روانی، ذهن و ادراک افراد را هدف قرار می‌دهد. در سال‌های اخیر، جمهوری اسلامی ایران به‌طور گسترده در معرض این نوع جنگ قرار گرفته است؛ به‌ویژه در رخدادهایی نظیر اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، که طی آن، دشمن با تولید و انتشار محتوای هدفمند، بمباران اطلاعاتی و القای توهم اکثریت، تلاش کرد تا انسجام ذهنی جامعه را دچار اختلال کند. سؤال اصلی این پژوهش آن است که راهکارهای مؤثر برای افزایش تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران چیست؟ پژوهش حاضر با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به شیوه کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع داخلی و بین‌المللی صورت گرفته است. چارچوب نظری تحقیق بر مبنای رویکرد شناختی-رفتاری و فرهنگی-اجتماعی بومی تدوین شده و مؤلفه‌های کلیدی تاب‌آوری شناختی شامل سواد رسانه‌ای، تفکر انتقادی، خودکارآمدی، انعطاف‌پذیری ذهنی و مدیریت استرس شناختی مورد توجه قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ضعف در آموزش سواد رسانه‌ای، نبود پلتفرم‌های بومی، و خلأ در نهادینه‌سازی جهاد تبیین، از مهم‌ترین چالش‌های تاب‌آوری شناختی در ایران هستند. در نتیجه، راهکارهایی مانند تقویت آموزش‌های شناختی، گسترش استقلال رسانه‌ای، نهادسازی برای جهاد تبیین، و ایجاد سامانه‌های پشتیبانی روان‌شناختی پیشنهاد می‌شود. این راهکارها در صورت اجرای راهبردی، می‌توانند تاب‌آوری شناختی جامعه ایرانی را در برابر جنگ‌های ترکیبی و شناختی دشمنان به‌صورت معناداری ارتقا دهند.

کلمات کلیدی: جنگ شناختی، تاب‌آوری شناختی، جنگ ترکیبی، سواد رسانه‌ای، عملیات روانی

شماره ۱(۴)

سال ۲
فصل بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

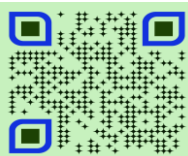
تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۰۱/۱۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۲/۱۰

صص: ۱۰۱-۱۲۱



^۱ استادیار گروه مهندسی صنایع، دانشگاه صنعتی مالک اشتر، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

h_torabi@alum.sharif.edu

^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. fatemeh.ahmadi@ut.ac.ir

استناد: ترابی، حسن و احمدی، فاطمه. (۱۴۰۴). تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا. شناخت پژوهی مطالعات سیاسی، ۲(۱)، ۱۰۱-۱۲۱

TORABI, H. and Ahmadi, F. (2025). Cognitive Resilience against Cognitive Warfare Targeting Iran: Components, Analysis, and Enhancement Strategies. Cognitive research of political studies, 2(1), 101-121



مقدمه

وقتی که در شبکه‌های اجتماعی خبری در مورد پیروزی یا شکست یک گروه نظامی، همه‌گیری یک بیماری، اظهار نظر یک مقام سیاسی سابق یا ضعف و قوت پدافند هوایی ایران مطرح می‌شود؛ چه احساس و برداشتی ایجاد می‌کند؟ درست است یا غلط؟ چقدر با واقعیت انطباق دارد؟ با چه هدفی نگاشته شده؟ امید آفرین است یا مأیوس‌کننده؟ با باورهای توده مردم چه می‌کند؟ این روایتگری چه اهدافی دارد؟ از کدام دریچه معرفت‌شناسی مطرح می‌شود؟ این موارد گاهی در قالب نفوذ و جنگ نرم، وارد اذهان می‌شود و شبهه‌های زیادی بر می‌انگیزد. می‌توان عنوان «جنگ شناختی» را در این زمینه به کار برد. در کنار جنگ شناختی، از جنگ ترکیبی هم یاد می‌شود. جنگ ترکیبی به جنگ‌هایی گفته می‌شود که حوزه‌های مختلف را برای پیشروی دشمن فراهم می‌کند. دشمن در جنگ ترکیبی بعد از این که در یک حوزه خاص موفق به پیشروی نشده و شکست می‌خورد، مجبور می‌شود حوزه‌های دیگر را فعال کند. اتفاقاتی که در پاییز سال ۱۴۰۱ در ایران اتفاق افتاد قطعاً یک جنگ ترکیبی بوده است. آنچه که روشن و مهم است این بود که اغتشاشات خیابانی حلقه‌ای برای پیشبرد جنگ مهم‌تری بود که این جنگ در حوزه ادراکی و شناختی رقم خورده است. لذا در این جنگ ترکیبی علاوه بر نقش آفرینی سیاسیون، افراد مشهور هنری و ورزشی، شبکه‌های تلویزیونی معاند خارجی، عملیات تروریستی شیراز و زاهدان، با اغتشاشات خیابانی هم مواجه بودیم و همه این موارد، در کنار هم همچون حلقه‌های یک زنجیر اتفاق می‌افتادند (Mahdian, 2022: 7). جنگ شناختی شکلی غیرمتعارف از جنگ است که از ابزارهای سایبری برای تغییر فرآیندهای شناختی دشمن، بهره‌گیری از سوگیری‌های ذهنی یا تفکر انعکاسی^۱ (Cohen-Cole, 2005: 121-122)، برانگیختن انحرافات فکری و تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری چه در سطح فردی و چه در سطح جمعی، استفاده می‌کند. جنگ شناختی فراتر از اطلاعات است تا آنچه را که مغز انسان با این اطلاعات انجام خواهد داد، هدف قرار دهد. یک اثر شناختی محصول جانبی عمل نیست، بلکه عیناً هدف آن است. این هدف، مستقل از فناوری‌های مورد استفاده برای دستیابی به آن است. یکی از شیوه‌های اندیشیدن در مورد آن، از یک سو «جنگ روانی-اجتماعی-فنی» و از سوی دیگر نوعی «جنگ نفوذ» (Forest, 2009: 81-82) با استفاده از ابزارهای سایبری است. «مبارزه شناختی^۲» به استفاده واقعی، محلی و موقتی از ابزارهای تاکتیکی برای تأثیرگذاری بر شناخت مربوط

¹ Reflexive thinking

² Cognitive Combat

می‌شود. این عمل در یک راهبرد بزرگ‌تر که برای درگیر کردن اهداف شناختی طراحی شده است؛ رخ می‌دهد. برای اقدامات تهاجمی، با رویکردی متمرکز بر آزار و اذیت، بهره‌برداری نظام‌مند از نقاط ضعف مشخص می‌شود، در حالی که در وضعیت دفاعی، این مبارزه شامل توسعه قابلیت‌های تاب‌آور و پیشگیرانه با استفاده از ابزارهای مشابه است. «تعارض شناختی» زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد که رویارویی فرآیندهای شناختی، به عنوان قاعده باشد (Claverie & Du, 2022: 31-32).

جنگ شناختی در حال حاضر با موفقیت کم و بیش و نه لزوماً تحت این نام، توسط تعدادی از بازیگران، مؤسسات یا شرکت‌های دولتی و غیردولتی از جمله سازمان‌های تروریستی، جنبش‌های افراطی مذهبی... استفاده می‌شود. این فعالان شامل واحدهای تخصصی و ماهری هستند که برای نهادهای اطلاعاتی دیجیتال، آژانس‌ها و شرکت‌های صنعتی که در رقابت با دیگران هستند؛ کار می‌کنند. همچنین ممکن است در حوزه معمول‌تر بازاریابی و جذب مشتریان بالقوه مشغول باشند. در همه این موارد، هدف عبارت است از تسلط، تثبیت برتری یا حتی تسخیر و نابودی. امروزه این شیوه‌ها به حدی رسیده است که رهبران سیاسی دیگر نمی‌توانند اهمیت آن را نادیده بگیرند.

اصطلاح جنگ شناختی از سال ۲۰۱۷ به صورتی در ایالات متحده استفاده شده است که برای توصیف شیوه‌های عمل یک دولت یا گروه تأثیرگذار به کار رود. این دولت یا گروه به دنبال «دستکاری ساز و کارهای های شناختی دشمن یا شهروندانش به منظور تضعیف، نفوذ، تأثیرگذاری یا حتی تحت سلطه درآوردن یا نابودی آنهاست» (Yu & Ho, 2022: 11-12). در حالی که این مأموریت گسترده همیشه بخشی از هنر جنگ را تشکیل می‌دهد؛ یک حوزه جدیدی وجود دارد که نیازمند توضیح بیشتر است. این حوزه ترکیبی از تکنیک‌های سایبری جدیدتر مرتبط با جنگ اطلاعاتی و اجزای انسانی قدرت نرم، همراه با جنبه‌های دستکاری عملیات روانی است (Bergier & Faucher, 2016: 6-7). آنها معمولاً شامل ارائه جانبدارانه یک واقعیت هستند که به صورت دیجیتالی تغییر یافته و به نفع منافع شخصی است. ابزارهای ارتباطی جدید اکنون امکانات بسیاری را ارائه می‌دهند و راه را برای روش‌های جدید و اهداف جدید باز می‌کنند. این پیچیدگی فزاینده باید قربانیان بالقوه را تشویق کند تا حالت تاب‌آوری دائمی داشته باشند، حتی اگر در بیشتر موارد، قربانیان معمولاً خیلی دیر متوجه شوند که مورد حمله قرار گرفته‌اند.

این رویکرد به جنگ شناختی، توجه نیروهای مسلح در سراسر جهان را به خود جلب کرده است و شامل جنبه‌های راهبردی و عملیاتی است. البته در حال حاضر توسط ملاحظات و دکترین‌های

اخلاقی نهادینه شده، پوشش داده نمی‌شود. با ورود دستیاران تصمیم‌گیری راهبردی دیجیتال، حوزه‌های عملیاتی جدید و تهاجم تحلیل کلان داده‌ها، در حوزه اطلاعات، بازی‌های جنگی و انجام عملیات، جنگ شناختی به طور قابل توجهی گسترش یافت. اکنون در تمام حوزه‌هایی که اطلاعات دیجیتالی مورد استفاده قرار می‌گیرد، از جمله کاربردهای تهاجمی، فرسایش شناختی¹ و اقدامات دفاعی برای محافظت از جمعیت‌های هدف احتمالی، این موضوع در حال گسترش است (Nesic, 2022: 241-242). در واقع ترکیبی از فرآیندهای حمله هوشمندانه و همچنین اقدامات مقابله‌ای و پیشگیرانه است. اگر به چالش‌های مربوط به جنگ شناختی در کشور پرداخته نشود؛ غافلگیری و انفعال در برابر دشمن، نتیجه‌ای جز از دست دادن قلمرو ذهنی ملت نخواهد داشت. پس شناسایی این چالش‌ها و ارائه راهکار برای رفع آن‌ها در کشور جمهوری اسلامی ایران که با دشمنان عدیده‌ای روبروست؛ ضرورت غیر قابل انکاری دارد.

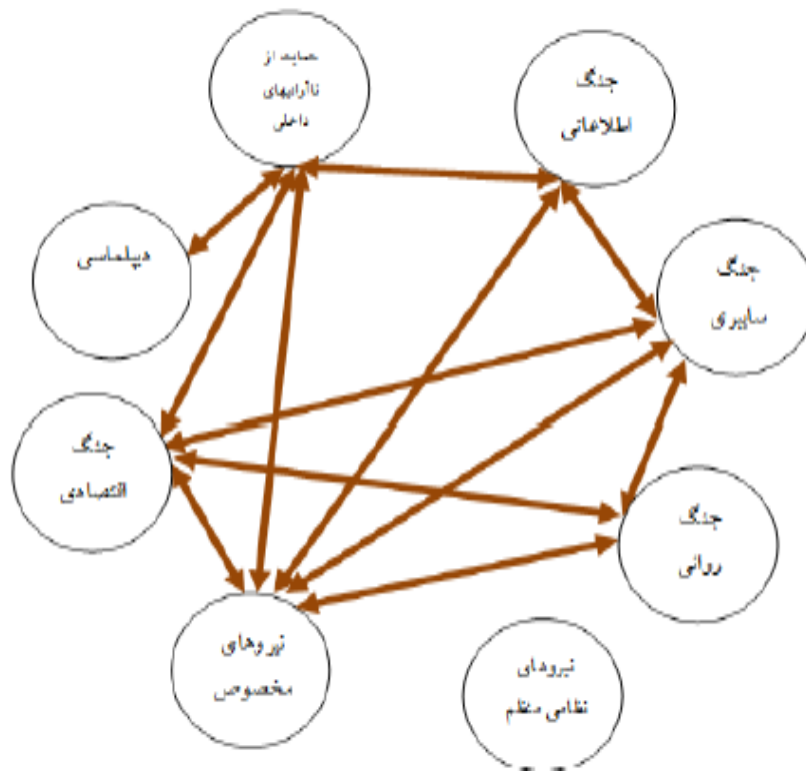
۱- مرور ادبیات

مطالعات اخیر نشان می‌دهند که جنگ شناختی به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی جنگ‌های نوین، با تأثیرگذاری بر افکار عمومی و تصمیم‌گیری‌ها، امنیت ملی کشورها را تهدید می‌کند (Cohen, 2018: 51-52). در این جنگ، دشمنان از اطلاعات نادرست و عملیات روانی برای تغییر نگرش‌ها و رفتارها استفاده می‌کنند (Nesic, 2022: 242). در ایران نیز پژوهش‌های داخلی نشان داده‌اند که جنگ شناختی از طریق تحریف واقعیت، ترویج نارضایتی عمومی و کاهش اعتماد اجتماعی بر جامعه اثر می‌گذارد (Mahjoub & Shakori, 2022: 161-163). بر اساس پژوهش‌های موجود، تکنیک‌های جنگ شناختی شامل نفوذ، بی‌ثباتی، مشروعیت‌زدایی، تخریب سرمایه اجتماعی و دستکاری اطلاعات است (Bergier & Faucher, 2016: 7). در نمونه‌ای از این تکنیک‌ها، رسانه‌های دیجیتال برای القای اطلاعات جانبدارانه و تغییر ادراک عمومی استفاده می‌شوند (Splidsboel Hansen, 2021: 186-187). پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که در ایران، رسانه‌های خارجی معاند و شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ابزارهای اصلی جنگ شناختی عمل کرده‌اند (Mahdian, 2022: 14). تاب‌آوری شناختی به‌عنوان یک ابزار دفاعی، شامل تقویت تفکر انتقادی، آموزش سواد رسانه‌ای و افزایش هوشیاری در برابر دستکاری‌های شناختی است (Nindl et al., 2018: 1121-1122). تحقیقات نشان می‌دهد که ارتش‌ها و دولت‌هایی که بر روی تاب‌آوری

¹ cognitive attrition

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

شناختی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، در مقابله با جنگ‌های ترکیبی موفق‌تر عمل کرده‌اند (Muñoz Plaza, Sotelo Monge & Gonzalez Ordi, 2023: 16-17). در ایران، پژوهش‌های داخلی پیشنهاد داده‌اند که آموزش‌های شناختی، جهاد تبیین، و تقویت بنیان‌های فکری و اعتقادی جامعه می‌تواند تاب‌آوری شناختی را افزایش دهند (Mohebbi, Shokri & Pourshahriar, 2018: 86-88). مهم‌ترین مؤلفه‌های جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را بدین گونه مطرح کرده‌اند: «روانی، اطلاعاتی، اقتصادی، دیپلماسی - سیاسی، سایبری، نیروهای نظامی منظم، نیروهای ویژه و حمایت از درگیری‌های داخلی» (Ryazi et al., 2021:63) (شکل ۱).



شکل ۱- مؤلفه‌های جنگ ترکیبی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (Ryazi et al., 2021:63)

اگر به برخی از موارد مذکور بنگریم؛ متوجه خواهیم شد که می‌توان مواردی همچون جنگ روانی و حمایت از ناآرامی‌های داخلی را در خوشه جنگ شناختی قرارداد. اصلی‌ترین جنگ، جنگ

تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا

در حوزه ادراک و ذهن یا همان حوزه شناختی است. پس در جنگ ترکیبی، با جنگ در حوزه نظامی و ترورهای خیابانی تا جنگ شناختی و ادراکی روبه‌رو هستیم که از همه با اهمیت تر است. مطالعات متعددی نشان داده‌اند که جنگ شناختی در عصر دیجیتال به یکی از ابزارهای اصلی در جنگ‌های مدرن تبدیل شده است. برای مثال، (Forest, 2009: 81-82) بر نقش عملیات روانی در تغییر نگرش جوامع تأکید کرده‌اند. همچنین (Reding & Wells, 2022: 31) به بررسی نقش اطلاعات نادرست در همه‌گیری کووید-۱۹ پرداخته‌اند که نمونه‌ای از جنگ شناختی در سطح جهانی است. بر اساس مطالعات (Bergier & Faucher, 2016: 6)، جنگ شناختی شامل تکنیک‌هایی مانند القای اطلاعات جانبدارانه، استفاده از تبلیغات هدفمند، سرریز اطلاعات و ایجاد شک و تردید در افکار عمومی است. همچنین (Splidsboel Hansen, 2021: 187) تأکید دارد که روسیه و سایر قدرت‌ها از این روش‌ها برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی در سطح بین‌المللی استفاده کرده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهند که تاب‌آوری شناختی نقش کلیدی در کاهش تأثیرات جنگ شناختی دارد (Nindl et al., 2018: 1121). تاب‌آوری شناختی را به‌عنوان توانایی حفظ عملکرد ذهنی در شرایط استرس‌زا تعریف کرده‌اند (Muñoz Plaza, Sotelo Monge & Gonzalez Ordi, 2023: 17). نیز به بررسی راهکارهای دولتی و اجتماعی برای مقابله با حملات شناختی پرداخته‌اند. نمونه‌های تاریخی از جنگ شناختی شامل جنگ اطلاعاتی در انتخابات آمریکا (۲۰۱۶)، دستکاری اطلاعات در جنگ اوکراین و اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در ایران است که در آن‌ها از شبکه‌های اجتماعی و عملیات روانی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی استفاده شده است (AYDEMİR, 2022: 361-362). نمونه‌های اخیر از جنگ شناختی شامل تحلیل گفتمان رسانه‌های غربی در اغتشاشات ۱۴۰۱ ایران و دستکاری اطلاعات در جنگ اوکراین است که نشان‌دهنده استفاده گسترده از عملیات شناختی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است (AYDEMİR, 2022: 361-362). پژوهش‌های داخلی نیز تأیید کرده‌اند که اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در ایران نمونه‌ای از جنگ ترکیبی با محوریت جنگ شناختی بود که در آن، اطلاعات نادرست، عملیات روانی و القای ناامیدی به کار گرفته شد. بررسی ادبیات نشان می‌دهد که جنگ شناختی، به‌عنوان یک استراتژی نوین، از ترکیب علوم شناختی، فناوری‌های دیجیتال و عملیات روانی برای دستکاری اطلاعات و تغییر درک عمومی استفاده می‌کند. تاب‌آوری شناختی به‌عنوان یک راهکار کلیدی برای مقابله با این نوع تهدیدات مطرح شده است و پژوهش‌های مختلف بر اهمیت آموزش، تفکر انتقادی و آمادگی شناختی تأکید دارند.

۲- مبانی نظری

جنگ شناختی به عنوان یک پدیده نوظهور در عرصه رقابت‌های بین‌المللی، با هدف تأثیرگذاری بر ذهن و باورهای افراد، به ابزاری قدرتمند در دست دولت‌ها و بازیگران غیردولتی تبدیل شده است (Claverie & Du Cluzel, 2022: 31). این نوع جنگ شامل دستکاری اطلاعات، عملیات روانی، تبلیغات هدفمند و ایجاد تردید در افکار عمومی است (Yu & Ho, 2022: 11). در این راستا، تاب‌آوری شناختی نقش کلیدی در کاهش تأثیر جنگ شناختی داشته و به توانایی افراد و جوامع برای مقاومت در برابر دستکاری‌های شناختی اشاره دارد (Flood & Keegan, 2022: 11-12). این مفهوم شامل افزایش آگاهی، ارتقای سواد رسانه‌ای و شناخت تکنیک‌های جنگ شناختی است (Reding & Wells, 2022: 31-32). برخی پژوهش‌ها در ایران نیز نشان داده‌اند که تاب‌آوری شناختی به بصیرت، شناخت تکنیک‌های جنگ شناختی، ولایت‌پذیری، جهاد تبیین و ارتقای سواد رسانه‌ای وابسته است. مبانی نظری جنگ شناختی و تاب‌آوری در برابر آن، بر اساس مفاهیم علوم شناختی، روان‌شناسی، علوم نظامی و ارتباطات شکل گرفته است. جنگ شناختی به عنوان یکی از ابعاد جنگ ترکیبی، با هدف تأثیرگذاری بر ادراک، تصمیم‌گیری و رفتار افراد و جوامع طراحی می‌شود (Claverie & Du Cluzel, 2022: 32). این نوع جنگ، با استفاده از فناوری‌های اطلاعاتی، شبکه‌های اجتماعی، عملیات روانی و دستکاری شناختی، به دنبال تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مخاطبان هدف است.

از منظر نظری، جنگ شناختی را می‌توان در تقاطع چندین حوزه علمی بررسی کرد:

۱. علوم شناختی و عصب‌شناسی: به بررسی تأثیر اطلاعات بر مغز انسان و پردازش آن در

تصمیم‌گیری می‌پردازد؛

۲. نظریه‌های روانشناختی: مانند نظریه سوگیری‌های شناختی که نشان می‌دهد چگونه

اطلاعات دستکاری‌شده می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری نادرست شود؛

۳. جنگ اطلاعاتی و عملیات روانی: شامل راهبردهای نفوذ و متقاعدسازی برای ایجاد

تغییرات در باورها و رفتارهاست (Nesic, 2022: 241).

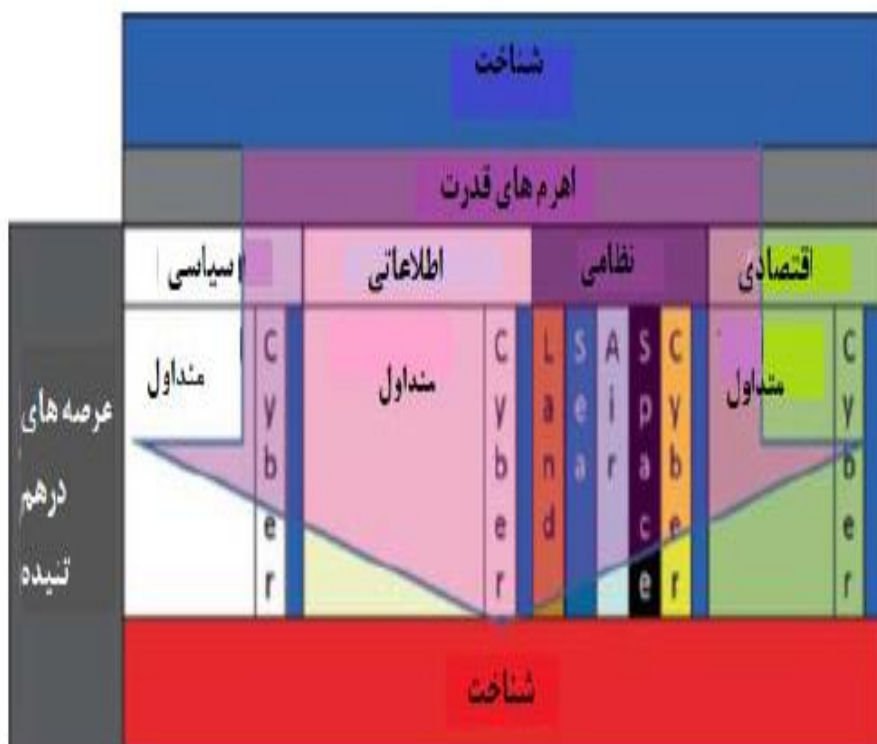
در این چارچوب، تاب‌آوری شناختی به عنوان توانایی ذهنی افراد و سازمان‌ها برای مقابله با

حملات شناختی تعریف می‌شود. این مفهوم به عواملی مانند خودکارآمدی، انعطاف‌پذیری ذهنی،

توانایی تفکر انتقادی و مدیریت استرس شناختی وابسته است (Flood & Keegan, 2022: 11-12).

تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا

جنگ شناختی حوزه‌ای بسیار پیچیده و تخصصی است و همان‌گونه که اجرای مأموریت در عرصه‌های متعارف جنگ به سازمان، منابع انسانی، امکانات، زیرساخت‌ها، فناوری‌ها، اسناد، آیین نامه‌ها، مقررات و قوانین پشتیبان نیازمند است؛ اجرای مأموریت در عرصه جنگ شناختی هم مستلزم این موارد است. همان‌طور که در شکل (۲) نشان داده شده است، شناخت هم به عنوان یک عرصه مستقل بالادستی، بر سایر عرصه‌ها و اهرم‌های قدرت، تأثیر می‌گذارد و هم، به‌عنوان نتیجه سایر عرصه‌ها در نظر گرفته می‌شود.



شکل-۲. شناخت به عنوان عرصه کلیدی (Mahjoub & Shakori, 2022: 162)

۳- تاب‌آوری شناختی: مفهوم، مؤلفه‌ها و چارچوب نظری

تاب‌آوری شناختی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های دفاعی در برابر تهدیدات نوین جنگ شناختی، نقش کلیدی در حفظ پایداری ذهنی، انسجام روانی و قدرت تحلیل جوامع در مواجهه با اطلاعات دستکاری شده ایفا می‌کند. این مفهوم برخلاف تاب‌آوری صرفاً روانی یا فیزیکی، تمرکز

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

ویژه‌ای بر ظرفیت‌های ذهنی، ادراکی و استدلالی انسان دارد؛ به‌ویژه در مواجهه با اطلاعات جعلی، عملیات روانی و بحران‌های شناختی پیچیده که از ابزارهای فناورانه بهره می‌برند (Flood & Keegan, 2022: 11-12).

تاب‌آوری شناختی فرآیندی پویا و چندلایه است که از تعامل میان ویژگی‌های درون‌فردی، عوامل محیطی و توانمندی‌های اجتماعی-فرهنگی شکل می‌گیرد. این مفهوم تنها به مقاومت در برابر استرس یا فشار روانی محدود نمی‌شود، بلکه ناظر بر توانایی فرد یا جامعه برای تحلیل نقادانه اطلاعات، تشخیص تحریف‌های شناختی، حفظ انسجام درونی و تداوم کارکرد تصمیم‌گیری حتی در شرایط مبهم، پرتنش و ناپایدار است (Mohebbi, Shokri & Pourshahriar, 2018: 86-88; Flood & Keegan, 2022: 11). عوامل روان‌شناختی، رفتاری، اجتماعی و حتی زیستی است و شامل مؤلفه‌های متعددی می‌شود که شناخت آن‌ها برای تدوین راهکارهای کاربردی ضروری است. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از:

۳-۱- مؤلفه‌های تاب‌آوری شناختی

آگاهی شناختی و سواد رسانه‌ای: توانایی تشخیص منابع معتبر از جعلی، تحلیل محتوای رسانه‌ای، و درک اهداف پنهان در پشت پیام‌ها (Reding & Wells, 2022: 31-32);

تفکر انتقادی: قابلیت ارزیابی استدلال‌ها، شناسایی مغالطات، و مقابله با تعمیم‌های نادرست و استدلال‌های هیجانی (Claverie & Du Cluzel, 2022: 32)

خودکارآمدی شناختی: باور به توانایی خود برای درک و تحلیل شرایط پیچیده، و تأثیرگذاری بر محیط از طریق اراده و تصمیم‌گیری آگاهانه (Ghasem & Hosseinchari, 2012: 66-68).

انعطاف‌پذیری ذهنی: آمادگی برای سازگاری با تغییرات سریع، پذیرش دیدگاه‌های جدید، و مدیریت تضادهای اطلاعاتی (Jha et al., 2020: 691).

کنترل هیجانات شناختی و مدیریت استرس ذهنی: توانایی حفظ تمرکز و آرامش ذهنی در مواجهه با بمباران اطلاعاتی، تهدیدات روانی و تحریک‌های رسانه‌ای (Nindl et al., 2018: 1121).

در پژوهش‌های داخلی نیز مؤلفه‌هایی مانند بصیرت، ولایت‌پذیری، جهاد تبیین، و آگاهی از تکنیک‌های جنگ شناختی به‌عنوان بخش‌هایی از تاب‌آوری شناختی معرفی شده‌اند (Mohebbi, Shokri & Pourshahriar, 2018: 87; Mahdavi-Nasab & Abdi, 2024: 15).

۲-۳- چارچوب نظری پیشنهادی برای تحلیل تاب آوری شناختی

با توجه به مؤلفه‌های حاصل در قسمت قبلی، چارچوب نظری مقاله حاضر ترکیبی از دو رویکرد کلیدی است:

۱. رویکرد شناختی- رفتاری: مبتنی بر علوم شناختی و روانشناسی، که تمرکز آن بر سازوکارهای ذهنی ادراک، تفسیر و واکنش به محرک‌هاست (Flood & Keegan, 2022: 11). این چارچوب به ما امکان می‌دهد تا راهکارهای آموزش محور، رسانه‌ای و روان‌شناختی را طراحی کنیم.

۲. رویکرد فرهنگی- اجتماعی بومی: عوامل هویتی، دینی، ارزشی و ساختارهای جامعه ایرانی را در افزایش تاب آوری شناختی دخیل می‌داند. این رویکرد به‌ویژه در بستر جمهوری اسلامی ایران، از اهمیت بالایی برخوردار است و بر مولفه‌هایی مانند «جهاد تبیین»، «رسانه‌های بومی»، و «آموزه‌های فرهنگی و دینی» تأکید دارد (Iraqi, Bidgoli & Rajabi, 2023: 151-152).

ترکیب این دو رویکرد، چارچوبی چندبعدی و منسجم را فراهم می‌آورد که هم مؤلفه‌های ذهنی و روانی فردی را در بر می‌گیرد و هم عوامل زمینه‌ای و محیطی مؤثر بر تاب آوری شناختی را توضیح می‌دهد. این چارچوب مبنای ارائه راهکارهایی خواهد بود که در ادامه مقاله با عنوان «راهکارهای افزایش تاب آوری شناختی در جمهوری اسلامی ایران» بحث می‌شوند.

۴- نمونه‌های جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر، به‌طور گسترده هدف جنگ شناختی قرار گرفته است. این جنگ در اشکال متعددی مانند تحریف واقعیت، طراحی روایت‌های هدفمند، بمباران اطلاعاتی، تحریک احساسات عمومی، القای ناامیدی، ایجاد شکاف اجتماعی، و تضعیف انسجام ملی به کار گرفته شده است. در ادامه، مهم‌ترین نمونه‌های عملی از جنگ شناختی دشمن علیه ایران بررسی می‌شود:

۴-۱- اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱

اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ را می‌توان بارزترین نمونه از جنگ شناختی ترکیبی علیه جمهوری اسلامی ایران دانست. در این رویداد، دشمن با بهره‌گیری از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های معاند، اینفلوئنسرهای هدفمند، و فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی و ربات‌های تولید محتوا، افکار عمومی

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

را در مسیر خاصی هدایت کرد. عملیات رسانه‌ای از طریق طراحی روایت‌هایی مانند «بی‌عدالتی فراگیر»، «فروپاشی قریب‌الوقوع» یا «ناامیدی از آینده»، سبب شد تا جامعه با موجی از احساسات منفی، تردید و اضطراب شناختی مواجه شود (Moghadamfar & Mohseni Ahuyi, 2021: 51-53). بر اساس تحلیل‌ها، دشمن با استفاده از الگوریتم‌های هوشمند و رباتیک، بیش از ۵ میلیون کاربر را به صورت ساختگی سازماندهی کرده و حدود ۸۰ میلیون هشتگ را در چند هفته به فضای مجازی ایران تزریق کرده است. این تکنیک‌ها دقیقاً در راستای ایجاد تحریف ادراکی، تحریک افکار عمومی، و تصویربرداری رسانه‌ای از یک آشوب فراگیر استفاده شدند؛ درحالی که در میدان واقعی، بیشتر تجمعات به صورت محلی، محدود و پراکنده بود. این اختلاف میان تصویر رسانه‌ای و واقعیت میدانی، یکی از شاخصه‌های جنگ شناختی محسوب می‌شود (AYDEMİR, 2022: 362).

۴-۲- تحریم‌ها و مدیریت ادراکی جامعه

تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، اگرچه ابزار اقتصادی هستند، اما در حوزه جنگ شناختی نیز نقش برجسته‌ای دارند. دشمن با بهره‌گیری از رسانه‌ها، تلاش کرده است تا ناکارآمدی‌های داخلی را صرفاً به عملکرد نظام نسبت دهد و نقش تحریم‌ها را نادیده بگیرد. این تحریف شناختی باعث شده تا بخشی از جامعه دچار نوعی «ادراک ناعادلانه از منبع بحران» شود و احساس ناکامی گسترده به وجود آید. به‌ویژه در حوزه‌های اقتصادی، ادراک کنترل‌ناپذیری شرایط، موجب تضعیف خودکارآمدی جمعی و افزایش آسیب‌پذیری شناختی شده است (Mahdavi-Nasab & Abdi, 2024: 16-17).

۴-۳- عملیات رسانه‌ای در موضوع برجام و مذاکرات هسته‌ای

در جریان مذاکرات هسته‌ای، جنگ شناختی در سطح بین‌المللی و داخلی به شدت فعال بود. دشمنان از طریق رسانه‌های خود، پیام‌هایی مانند «ایران منزوی»، «ناتوان در توافق»، یا «در آستانه جنگ» را پمپاژ می‌کردند. این پیام‌ها هم‌زمان با انتشار گسترده در داخل، سعی داشتند ادراک عمومی از توان چانه‌زنی دیپلماتیک ایران را تخریب کنند. ایجاد دوگانه‌های دروغین مانند «مذاکره یا فروپاشی»، و تلاش برای برانگیختن احساسات یأس و خشم عمومی، از اهداف این عملیات بود (Iraqi, Bidgoli & Rajabi Deh Borzoei, 2023: 151-153).

۴-۴- القای توهم اکثریت در شبکه‌های اجتماعی

یکی از ابزارهای کلیدی جنگ شناختی علیه ایران، «توهم اکثریت» یا False Consensus بوده است. در این روش، گروهی اندک با بهره‌گیری از حساب‌های جعلی، ربات‌ها و اینفلوئنسرها،

تاب آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا

دیدگاه خود را به‌عنوان نظر غالب جامعه معرفی می‌کنند. در اغتشاشات ۱۴۰۱، القای این تصور که «اکثریت جامعه مخالف نظام هستند» و «سرنگونی در آستانه وقوع است»، با استفاده از ترفندهای وایرال‌سازی و رشد مصنوعی هشتک‌ها دنبال شد. این تکنیک سبب افزایش فشار روانی، کاهش امید اجتماعی، و اختلال در تصمیم‌گیری بخشی از بدنه جامعه شد (Splidsboel Hansen, 2021: 186).

۴-۵- نفوذ در فضای دانشگاهی و نخبگانی

در سال‌های اخیر، جنگ شناختی به‌صورت هوشمندانه‌تری به فضای دانشگاهی نیز نفوذ کرده است. حمایت‌های رسانه‌ای از پژوهش‌ها یا مواضع ضدنظام، دعوت نخبگان به همکاری‌های به‌ظاهر علمی در پروژه‌های غربی، و تلاش برای القای گفتمان‌های «بی‌آینده‌گی»، «بن‌بست» و «گریز نخبگان» نمونه‌هایی از این سناریو هستند. در برخی موارد، حتی از اساتید و دانشجویان برای بازتولید محتواهای تحلیل‌نما در رسانه‌های خارجی استفاده شده است، با هدف تخریب مشروعیت نظام و زیر سؤال بردن کارآمدی علمی کشور.

در مجموع، نمونه‌های فوق نشان می‌دهند که جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران، فراتر از یک پدیده رسانه‌ای ساده است. این جنگ، طراحی شده، چندلایه و هدفمند است و ترکیبی از روایت‌سازی، عملیات روانی، فناوری دیجیتال و شناخت دقیق جامعه ایرانی را در بر می‌گیرد. شناخت و تحلیل این نمونه‌ها، مقدمه‌ای ضروری برای طراحی راهکارهای مقابله و افزایش تاب‌آوری شناختی در کشور است.

۵- رویکردها، ابزارها و پیامدهای انسانی جنگ شناختی

جنگ شناختی را می‌توان از دو منظر بررسی کرد: جهانی و دیگری بر اساس ابزارهای موجود. هدف اول کمک به فرهنگی است که به دنبال دستکاری ذهن‌ها و یا در انتهای دیگر طیف، ایجاد تاب‌آوری و امنیت جهانی است. هم برای اطلاع‌رسانی و آموزش کسانی است که احتمالاً هدف اعمال یا نیات بد قرار می‌گیرند و هم از ابزارهای شناختی برای مقابله با چنین اقداماتی استفاده می‌کند. در واقع شمشیری دولبه است. این حوزه، هم مبتنی بر دانش روانشناسی بازیگران درگیر، دانش جامعه‌شناسی جمعیت‌ها یا گروه‌های خاص و هم مبتنی بر تأثیر فرهنگ بر تصمیم‌گیری و عقلانیت بازیگران است.

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

سطح دوم به طور خاص به حوزه‌های مختلف شناخت مربوط می‌شود، از جمله به عنوان مثال دوگانگی تصمیم/عدم تصمیم، خطاها و سوگیری‌های شناختی، ادراکات و توهمات، سایبرنتیک و فقدان یا از دست دادن کنترل، نفوذ و قدرت نرم، روان‌شناسی و روان‌شناسی سایبری، تعامل بین کاربران و سیستم‌ها، روباتیک و هواپیماهای بدون سرنشین، استقلال و اخلاق مرتبط با فناوری‌های جدید، انگیزه و از دست دادن آن (تسلیم شدن و ناامیدی)، اخلاق و تضاد ارزش‌ها، روان‌شناسی و مذهب، فوریت حمایت روانپزشکی در موارد مراقبت‌های پس از آسیب و امنیت سایبری (Tanielian, Tanielian & Jaycox, 2008: 16-17).

در طول بیست سال گذشته، طراحی ابزارهای دیجیتال، تفاوت‌ها و ویژگی‌های کاربران را در نظر گرفته است تا استفاده از آنها را تسهیل کند. این باعث شده است که برخی به این فکر کنند که چگونه می‌توان این رویکردهای هدایت شده را دستکاری کرد تا امکان ادغام بیشتر کاربران انسانی در سیستم فراهم شود به گونه‌ای که هدف از تسهیل تجربه کاربر به تحریک یا حتی دیکته کردن نحوه رفتار آنها تبدیل شده است.

از دیدگاه مهاجم، کارآمدترین اقدام - البته سخت‌ترین اقدام - تشویق به استفاده از ابزارهای دیجیتالی است که می‌توانند تمام سطوح فرآیندهای شناختی دشمن را مختل یا تحت تأثیر قرار دهند. مراحل مختلف تصمیم‌گیری مورد هدف قرار می‌گیرند، از نحوه دریافت اطلاعات شروع می‌شود که می‌توان آن را تحت الشعاع قرار داد، همچنین نحوه فیلتر کردن که از طریق تغییر در نحوه ساخت بازنمودها و تأثیرگذاری بر ذخیره‌سازی در حافظه که منجر به تصمیمات ناکافی می‌شود یا اقدام را فلج می‌کند و تغییر اهداف را دشوار می‌سازد. هم‌اکنون هر یک از این مراحل، درک و کدگذاری شده یا حتی با ابزارهای دیجیتال جایگزین شده است. بنابراین می‌توان آن‌ها را هدف قرار داد (Splidsboel Hansen, 2021: 186).

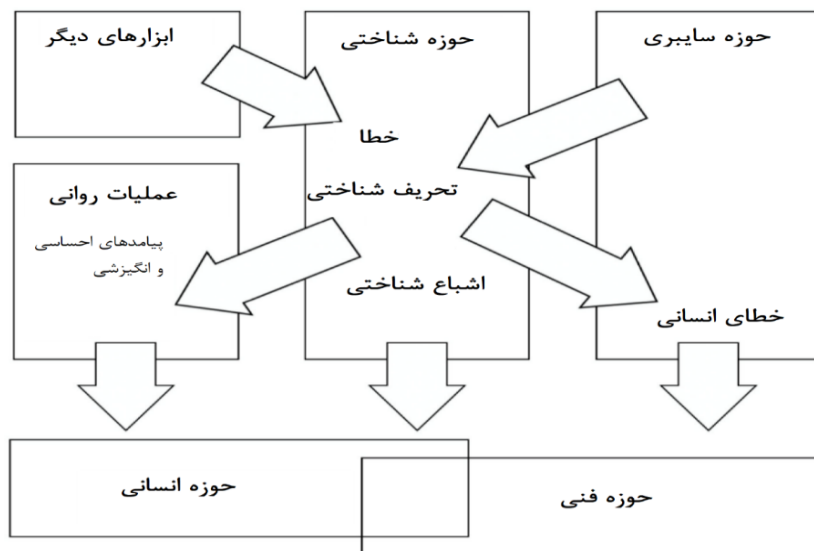
پیامدها را می‌توان در سه سطح بالقوه یافت:

- (۱) تأثیر بر ابعاد روانی، رابطه‌ای، انگیزشی یا از طریق ایجاد تردید یا تحکیم قطعیت‌ها یا ایجاد پیامدهای مزمن؛
- (۲) در حوزه سایبری با القای مستقیم خطاهای انسانی برای تأثیرگذاری بر شبکه، اطلاعاتی که مبادله می‌شود یا رابط‌های انسان و سیستم؛
- (۳) با هدف قرار دادن مستقیم توانایی‌های شناختی فردی، مخصوصاً آن‌هایی که به طور مداوم تغییر می‌کنند.

تاب آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا

این نوع جنگ بین هوش‌ها با توسعه فناوری‌های پوشیدنی و اشیاء متصل، و به ویژه درونی‌سازی این ابزارهای جدید با ظاهر سرباز تقویت‌شده، ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد. از آنجایی که جهان به‌طور فزاینده‌ای با ارتباطات متقابل آن تعریف می‌شود؛ عصر اطلاعات به عصر شبکه تبدیل شده است. این تکامل با ادغام شخصیت‌های فیزیکی، دیجیتالی و ذهنی ما در این شبکه‌های ارتقای انسانی، پیچیده‌تر شده است. آن‌ها نمونه‌ای از حوزه انسانی هستند، جایی که توانایی حل مسائل پیچیده به نحوه نمایش، درک و توسعه اطلاعات بستگی دارد. این حوزه باید نقاط قوت، محدودیت‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و تنوع افرادی که در تصمیم‌گیری یا به‌کارگیری قوانین و رویه‌ها دخیل هستند را در نظر بگیرد.

از نقطه نظر دفاعی، چالش‌ها بسیار و عبارتند از: تضمین امنیت شناختی افراد، ایجاد و حفظ برتری شناختی برای اقدام قاطع، بهبود رقابت، توسعه و تأیید عملکرد سیستم‌های هوشمند یا سیستم‌های هوش مصنوعی که برای افزایش نیروی انسانی در نظر گرفته شده‌اند و بهبود تصمیم‌گیری پیچیده و مشترک مربوط. تضمین یک مزیت در حوزه انسانی مستلزم رویکردهای جدیدی است که در عین مدیریت پیامدهای فنی و روانی، قادر به ترکیب بهتر انسان و فناوری باشند (Claverie, 2022: 13-14). ارتباط بین حوزه‌های مختلف جنگ شناختی در شکل (۳) مشاهده می‌شود.



شکل-۳. ارتباط بین حوزه‌های فنی و انسانی جنگ شناختی (Claverie & Du Cluzel, 2022: 31)

در ایران، جنگ شناختی در سال‌های اخیر وارد فاز جدیدی شده که در آن، ترکیب عملیات شناختی با ابزارهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی نقش پررنگ‌تری پیدا کرده است. این روند نه تنها در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ بلکه در حوزه‌های دیگر از جمله تحریم‌ها، مذاکرات هسته‌ای، و بحران‌های اقتصادی نیز به چشم می‌خورد. برخی از ویژگی‌های جدید جنگ شناختی دیجیتال علیه ایران شامل موارد زیر است:

۱-۵- عملیات شناختی از طریق پلتفرم‌های بومی شده خارجی

دشمنان با هدایت جریان‌های فکری و اطلاعاتی در پلتفرم‌های جهانی مثل توئیتر، اینستاگرام و تلگرام، توانسته‌اند ساختار ادراکی کاربران ایرانی را دستخوش تغییر کنند. این پلتفرم‌ها از طریق الگوریتم‌های هوشمند و توصیه‌گرها، محتواهای خاصی را به کاربران ایرانی نمایش داده و از این طریق، به تحریف واقعیت و ایجاد ادراک خاصی از وضعیت کشور کمک می‌کنند. برای مثال:

- الگوریتم‌های پلتفرم‌های خارجی، محتوای ضدایرانی را در اولویت قرار داده و به سرعت ویرال می‌کنند، در حالی که محتواهای واقع‌گرایانه به حاشیه رانده می‌شوند؛
- در زمان بحران‌ها، رسانه‌های غربی و اکانت‌های وابسته به سازمان‌های اطلاعاتی، روایت‌های خاصی را از وضعیت ایران ترویج داده و سپس این محتواها در شبکه‌های اجتماعی داخلی تقویت می‌شوند.

۲-۵- ایجاد توهم اکثریت و تقویت فشار روانی

یکی از تاکتیک‌های مهم جنگ شناختی علیه ایران، ایجاد توهم اکثریت (False Consensus) است. در این روش، گروهی کوچک اما سازمان‌یافته، تلاش می‌کنند تا روایت خود را به‌عنوان صدای غالب جامعه معرفی کنند. این امر از طریق: رشد مصنوعی هشتگ‌ها و ترندها توسط ربات‌های شبکه‌های اجتماعی، تولید حجم بالای محتوای تکراری برای ایجاد حس اضطراب و نارضایتی عمومی و سانسور و سرکوب صداهای مخالف در همان پلتفرم‌های خارجی انجام می‌شود. این روش در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ به وضوح دیده شد، جایی که برخی از رسانه‌های خارجی، به جای گزارش واقعیات، از داده‌های تقلبی یا دستکاری شده برای ایجاد فضای روانی منفی استفاده کردند.

۳-۵- استفاده از تأثیرگذاران (اینفلوئنسرها) برای تغییر افکار عمومی

در سال‌های اخیر، بازیگران جنگ شناختی علیه ایران، به‌جای استفاده از رسانه‌های رسمی، بیشتر از تأثیرگذاران (اینفلوئنسرها) بهره می‌برند. برخی از این افراد که در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی

تاب‌آوری شناختی در برابر جنگ شناختی علیه ایران: مؤلفه‌ها، تحلیل و راهکارهای ارتقا

و ورزشی فعال بوده‌اند، در بحران‌ها به سخنگویان جنگ شناختی تبدیل شده و به‌طور هماهنگ، پیام‌هایی را منتشر می‌کنند که هدف آن تضعیف انسجام اجتماعی است.
نمونه‌ها:

- ترویج مهاجرت و «بی‌آینده» جلوه دادن ایران از سوی اینفلوئنسرها؛
- تأکید بر مشکلات داخلی بدون اشاره به عوامل خارجی، مانند تحریم‌ها؛
- هماهنگی در انتشار پیام‌های خاص در زمان‌های بحرانی، مثلاً دعوت به نافرمانی مدنی یا تحریم انتخابات.

۵-۴- نفوذ در جوامع علمی و دانشگاهی

جنگ شناختی در ایران تنها محدود به فضای رسانه‌ای نیست، بلکه به محیط‌های علمی و دانشگاهی نیز کشیده شده است. برخی از روش‌های اعمال نفوذ در این حوزه شامل عبارتند از: تأمین مالی برخی پژوهش‌ها و مقالات جهت ارائه تصویر منفی از ایران در مجامع علمی بین‌المللی، ایجاد شبکه‌های ارتباطی میان اساتید و دانشجویان با مراکز فکری غربی با هدف ترویج گفتمان‌های خاص و هدایت جو فکری دانشگاه‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های خارجی

۵-۵- تقویت جنگ شناختی از طریق بحران‌سازی اقتصادی و اجتماعی

یکی از شیوه‌های جنگ شناختی علیه ایران، استفاده از فشارهای اقتصادی به‌عنوان اهرم تحریکی برای تغییر نگرش عمومی است. از جمله این روش‌ها عبارت‌اند از: برجسته‌سازی بحران‌های اقتصادی و نسبت دادن آن‌ها صرفاً به سیاست‌های داخلی در حالی که نقش تحریم‌ها نادیده گرفته می‌شود، ایجاد القانات شناختی مبنی بر اینکه «هیچ راه‌حلی برای بهبود شرایط وجود ندارد» و «تنها راه‌حل، تغییرات بنیادی است.» و ایجاد نارضایتی از طریق جنگ روانی بر قیمت کالاهای اساسی و بی‌ثبات‌سازی بازار از طریق شایعات و اطلاعات نادرست.

۶- تحلیل و راهکارهای افزایش تاب‌آوری شناختی در ایران

تاب‌آوری شناختی در بستر جمهوری اسلامی ایران، به‌دلیل مواجهه مستمر با انواع تهدیدات شناختی و ترکیبی، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت ملی به‌شمار می‌آید. بررسی‌های میدانی و تحلیل تجربیات اخیر به‌ویژه در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱، نشان می‌دهد که دشمن با بهره‌گیری از ابزارهای فناورانه، شبکه‌های اجتماعی، عملیات روانی و طراحی روایت‌های هدفمند، ساختار شناختی جامعه ایران را هدف قرار داده است (Moghadamfar & Mohseni Ahuyi, 2021: 51-).

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

53). این جنگ شناختی نه تنها مخاطبان عام، بلکه حتی نخبگان، نیروهای نظامی، دانشگاهیان و تصمیم‌گیران را نیز هدف گرفته است.

بمباران اطلاعاتی، اخبار جعلی، شایعات هدفمند و القانات ناامیدی، سبب بروز آشفتگی شناختی، تضعیف انسجام روانی و اختلال در فرآیندهای تصمیم‌گیری شده است. این وضعیت، به وضوح در ناآرامی‌های ۱۴۰۱ مشاهده شد که چگونه تولید و انتشار هدفمند محتوا، توهم اکثریت و احساس شکست را به جامعه القا کرده و اعتماد به حاکمیت را تضعیف نمود (-AYDEMİR, 2022: 361). در چنین شرایطی، نبود تاب‌آوری شناختی در سطح فردی، سازمانی و اجتماعی، می‌تواند خسارات جبران‌ناپذیری را در پی داشته باشد. از این‌رو، تحلیل تاب‌آوری شناختی در ایران باید با توجه به مؤلفه‌هایی که پیش‌تر در بخش ۴ تبیین شد، انجام گیرد. بررسی‌های نظری و تجربی نشان می‌دهد که در حال حاضر، برخی مؤلفه‌ها نظیر سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در جامعه ایران با ضعف ساختاری مواجه است. همچنین، در محیط‌های آموزشی، نظامی، و رسانه‌ای کشور، آموزش‌ها و زیرساخت‌های لازم برای تقویت آگاهی شناختی، خودکارآمدی ذهنی، و مقاومت در برابر روایت‌های تحریف‌شده، ناکافی هستند (Flood & Keegan, 2022: 11; Mahdavi-Nasab & Abdi, 2024: 16).

بر این اساس، راهکارهای زیر برای افزایش تاب‌آوری شناختی در جمهوری اسلامی ایران، متناسب با مؤلفه‌های نظری و زمینه بومی ایران پیشنهاد می‌شود:

۱-۶- تقویت سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی

از مهم‌ترین گام‌ها در تقویت تاب‌آوری شناختی، آموزش سواد رسانه‌ای در سطوح مختلف جامعه، از مدارس تا دانشگاه‌ها و نیروهای نظامی است. این آموزش‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که مهارت تحلیل محتوای رسانه‌ای، شناسایی تکنیک‌های اقناع و فریب، و تقویت توان نقد روایت‌ها را در مخاطب ایجاد کند (Reding & Wells, 2022: 32; Mohebbi, Shokri & Pourshahriar, 2018: 88).

۲-۶- ارتقای خودکارآمدی و اعتماد به نفس شناختی

افرادی که به توانمندی شناختی خود باور دارند، کمتر در معرض تسلیم شدن در برابر القانات شناختی دشمن قرار می‌گیرند. برنامه‌هایی با هدف ارتقای خودباوری، توان تصمیم‌گیری مستقل و درک توانمندی فردی باید در دستور کار نهادهای آموزشی و رسانه‌ای قرار گیرد (Ghasem & Hosseinchari, 2012: 67).

۳-۶- نهادینه‌سازی جهاد تبیین در مواجهه با جنگ شناختی

رهبر معظم انقلاب اسلامی، جهاد تبیین را یکی از الزامات مقابله با تحریف و جنگ رسانه‌ای دشمن معرفی کرده‌اند. این مفهوم می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب عملیاتی برای تولید محتوای روشنگر، مقابله با شبهات، و بازسازی تصویر واقع‌گرایانه از ایران در فضای مجازی عمل کند (Iraqi, Bidgoli & Rajabi Deh Borzoei, 2023: 153).

۴-۶- توسعه پلتفرم‌های بومی و استقلال رسانه‌ای

کاهش وابستگی به پلتفرم‌های خارجی که الگوریتم‌های آنها در خدمت القائات خاص هستند، یکی از الزامات کلان برای حفظ استقلال شناختی جامعه است. توسعه زیرساخت‌های رسانه‌ای بومی و تقویت قابلیت‌های الگوریتمی، زمینه‌ساز تاب‌آوری بیشتر در برابر روایت‌سازی دشمن خواهد بود (Mahdavi-Nasab & Abdi, 2024: 17).

۵-۶- برگزاری رزمایش‌های شناختی و آموزش‌های تخصصی در نیروهای نظامی

توانمندسازی پرسنل نظامی در حوزه جنگ شناختی نیازمند آموزش‌های عملیاتی، روان‌شناختی و شناختی است. رزمایش‌های طراحی‌شده بر مبنای سناریوهای عملیات رسانه‌ای و اطلاعاتی می‌تواند تاب‌آوری شناختی نیروهای نظامی را ارتقا دهد (Nindl et al., 2018: 1122; Flood & Keegan, 2022: 11).

۶-۶- ایجاد سامانه‌های پشتیبانی روان‌شناختی و مشاوره شناختی

جنگ شناختی صرفاً حوزه‌ای تکنولوژیک نیست بلکه پیامدهای انسانی، روانی و ذهنی قابل توجهی دارد. ایجاد مراکز مشاوره تخصصی با تمرکز بر درمان فرسودگی شناختی، اضطراب ناشی از اغتشاش اطلاعاتی، و بازیابی انسجام ذهنی می‌تواند از فروپاشی ادراکی در شرایط بحرانی جلوگیری کند (Claverie, 2022: 13-14).

نتیجه‌گیری

جنگ شناختی به‌عنوان یکی از چالش‌های نوین در میدان نبرد، مستقیماً بر توان رزمی، تصمیم‌گیری و تاب‌آوری اثر می‌گذارد. در این جنگ، هدف دشمن نه تنها تغییر ادراک و رفتار شهروندان، بلکه مختل کردن قدرت تحلیل، انسجام روانی و تاب‌آوری شناختی افراد در میدان نبرد است. استفاده از عملیات روانی، انتشار اخبار جعلی، تکنیک‌های القای شک و تردید، و دستکاری

اطلاعات در شبکه‌های ارتباطی از جمله راهبردهایی است که در جنگ‌های شناختی مدرن برای تضعیف قدرت به کار می‌رود. در ایران، تجربه جنگ شناختی در اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ نشان داد که دشمن نه تنها جامعه، بلکه نیروهای نظامی را نیز هدف قرار داده است. از طریق ایجاد آشفتگی اطلاعاتی، بمباران خبری، و شایعات هدفمند در مورد تضعیف نیروهای مسلح، سعی شد اعتماد سربازان به فرماندهان کاهش یابد. این رویکرد، بخشی از یک عملیات گسترده‌تر برای تضعیف انگیزه و تاب‌آوری شناختی بود. مبتنی بر تحلیل صورت گرفته و وضعیت ایران، راهکارهای افزایش تاب‌آوری شناختی در ایران عبارتند از: تقویت استقلال رسانه‌ای و ایجاد پلتفرم‌های بومی قوی‌تر برای کاهش وابستگی به رسانه‌های خارجی، افزایش شفافیت و اعتمادسازی در سیاست‌های داخلی تا جامعه کمتر در برابر عملیات شناختی دشمن آسیب‌پذیر باشد، مقابله فعال با شبکه‌های نفوذ در حوزه‌های دانشگاهی، رسانه‌ای و اجتماعی، آموزش سواد رسانه‌ای و تفکر انتقادی در محیط‌های نظامی برای مقابله با اخبار جعلی و جنگ شناختی، تقویت سامانه‌های اطلاعاتی و ارتباطی در نیروهای مسلح برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر حملات شناختی و اطلاعاتی دشمن، برگزاری رزمایش‌های شناختی که در آن، نیروهای نظامی با سناریوهای جنگ اطلاعاتی و شناختی مواجه شوند و قدرت تحلیل آن‌ها در شرایط واقعی آزمایش شود و بالاخره ایجاد سیستم‌های پشتیبانی روان‌شناختی و مشاوره‌ای برای کاهش اثرات روانی جنگ شناختی. با توجه به ارتباط خودکارآمدی و تاب‌آوری شناختی، با ارتقای این نوع تاب‌آوری، توانایی برنامه‌ریزی، اقدام و امید به موفقیت هم افزایش می‌یابد. دنیای سایبری اکنون بر همه چیز چیره شده و همواره حاضر است. هیچ تصمیم یا اقدامی را نمی‌توان بدون ابزار آن اجرا کرد. بدیهی است که این امر بر شناخت افرادی که از این ابزارها استفاده می‌کنند اثرگذار است و افراد و گروه‌ها را در همه سطوح، هم از نظر روان‌شناختی با پیامدهای انسانی و هم از نظر فنی، با تأثیر خطاهای انسانی بر سیستم‌ها، تحت تأثیر قرار می‌دهد. جنگ شناختی یک دامنه به سرعت در حال رشد است و مسیرهای جدید دائماً محدودیت‌های دانش ما را عقب می‌رانند. دشمن در جنگ شناختی به دنبال لطمه زدن به آرامش، قطعیت‌ها، رقابت‌پذیری، پیشرفت و رفاه ماست. به دنبال مسخ شهروند در قالبی است که دیگر نه حقیقت را بشنود، نه ببیند و نه فکر کند. به عبارت دیگر دستگاه محاسباتی وی به کلی مخدوش گردد. ضروری است که سعی شود تهدیدات ناشی از فناوری‌های آینده پیش‌بینی و در مورد آنها کاری که امروز در حال توسعه هستند بیشتر آموخته شود. نبرد آینده، صرفاً یک جنگ سخت‌افزاری نخواهد بود، بلکه سربازان و فرماندهان باید همزمان با تهدیدات شناختی نیز مقابله کنند. توانمندسازی نیروهای مسلح در برابر

جنگ شناختی، عاملی حیاتی برای حفظ قدرت نظامی کشور است و مستلزم برنامه‌ریزی راهبردی، آموزش‌های شناختی، و ایجاد ساختارهای دفاع روان‌شناختی در نیروهای مسلح ایران است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Ali Akbari, M., Gharaei, M., Solhi Moghaddam, A. (2024). Identifying the dimensions of cognitive warfare and resilience strategies against it. The Second National Conference on Command and Management in Future Wars with a Cognitive Approach (Retrieved from cccw1403.ir) [In Persian]
- AYDEMİR, E. (2022). Ukraine's cognitive warfare operations against Russia: Representation, story and micro-mythology. *Avrasya Uluslararası Araştırmalar Dergisi*, 10(32), 358–367.
- Bergier, J.Y., Faucher, C. (2016). Persuasive communication from a military force to local civilians: a PsyOps system based on the Elaboration Likelihood Model. 2016 IEEE 15th International Conference on Cognitive Informatics & Cognitive Computing (ICCI* CC).
- Claverie, B. (2022). What is cognition? And how to make it one of the ways of the war? In NATO Collaboration Support Office.
- Claverie, B., Du Cluzel, F. (2022). "Cognitive Warfare": The advent of the concept of "Cognitics" in the field of warfare. In NATO Collaboration Support Office.
- Cohen, S.F. (2018). War with Russia?: From Putin & Ukraine to Trump & Russiagate. Simon and Schuster.
- Cohen-Cole, J. (2005). The reflexivity of cognitive science: The scientist as model of human nature. *History of the Human Sciences*, 18(4), 107–139.
- Flood, A., Keegan, R.J. (2022). Cognitive resilience to psychological stress in military personnel. *Frontiers in Psychology*, 13, 809003.
- Forest, J.J. (2009). Influence warfare: How terrorists and governments fight to shape perceptions in a war of ideas. ABC-CLIO.
- Ghasem, M., Hosseinchari, M. (2012). Psychological resilience and intrinsic-extrinsic motivation: The mediating role of self-efficacy. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 9(33), 61–71. [In Persian]
- Iraqi, A., Bidgoli, M., Rajabi Deh Borzoei, A. (2023). Analyzing the enemy's cognitive war goals and coping strategies with emphasis on the teachings of the Qur'an. *Holy Defense Studies*, 8(4), 143–162. [In Persian]
- Jalilvand, M.R., Nabiloo, M. (2024). Coordinates of the road map of cognitive war application in technological media. *Media Management Review*, 3(1), 3–28. [In Persian]
- Jha, A.P., Zanesco, A.P., Denkova, E., Morrison, A.B., Ramos, N., Chichester, K., Gaddy, J.W., Rogers, S.L. (2020). Bolstering cognitive resilience via train-the-trainer delivery of mindfulness training in applied high-demand settings. *Mindfulness*, 11(3), 683–697.
- Kox, E., Finlayson, N.B., Broderick-Hale, J., Kerstholt, J. (2024). Calibrated trust as a means to build societal resilience against cognitive warfare.
- Mahdavi-Nasab, H., Abdi, M. (2024). Explaining the phenomenon of cognitive warfare and strategies for enhancing resilience against it by strengthening media literacy components (Case study: Students of AJA military universities). *The 2nd National Conference on Command and Management in Future Wars with a Cognitive Approach*. Tehran, Iran. [In Persian]

- Mahdian, M. (2022). What is hybrid warfare? [Interview]. Hamshahri Institute. <https://www.hamshahrionline.ir/news/718019>. [In Persian]
- Mahjoub, H., Shakori, S. (2022). Modern cognitive warfare: From the application of cognitive science and technology in the battlefield to the arena of cognitive warfare. *Journal of Human Resource Management*, 12(2), 156–180. [In Persian]
- Mohebi, S., Shokri, O., Pourshahriar, H. (2018). Effect of resilience education on cognitive appraisals, coping and emotions. *Journal of Developmental Psychology: Iranian Psychologists*, 15(57), 83–99. [In Persian]
- Moghadamfar, H., Mohseni Ahuyi, A. (2021). *Cognitive warfare: The science of victory in the battle of minds*. Tehran: Tasnim News Agency Publishing. [In Persian]
- Muñoz, F., Sotelo Monge, M.A., Gonzalez Ordi, H. (2023). Towards the definition of cognitive warfare and related countermeasures: A systematic review. Proceedings of the 18th International Conference on Availability, Reliability and Security.
- Nesic, A. (2022). Cognitive security and emotional warfare: The science and practice for understanding, analyzing and preventing the spread of violent extremism in the CENTCOM AOR. In *The Great Power Competition Volume 2: Contagion Effect: Strategic Competition in the COVID-19 Era* (pp. 233–248).
- Nindl, B.C., Billing, D.C., Drain, J.R., Beckner, M.E., Greeves, J., Groeller, H., Teien, H.K., Marcora, S., Moffitt, A., Reilly, T. (2018). Perspectives on resilience for military readiness and preparedness: Report of an international military physiology roundtable. *Journal of Science and Medicine in Sport*, 21(11), 1116–1124.
- Reding, D.F., Wells, B. (2022). Cognitive warfare: NATO, COVID-19 and the impact of emerging and disruptive technologies. In *COVID-19 Disinformation: A Multi-National, Whole of Society Perspective* (pp. 25–45). Springer.
- Riyazi, V., Akbari, A., Bajlani, S., Akbari, H.R. (2021). Introduction of the components and tools of the US hybrid war against the I.R. of Iran. *Defence Studies*, 19(1), 37–67. [In Persian]
- Splidsboel Hansen, F. (2021). When Russia wages war in the cognitive domain. *The Journal of Slavic Military Studies*, 34(2), 181–201.
- Tanielian, T.L., Tanielian, T., Jaycox, L. (2008). *Invisible wounds of war: Psychological and cognitive injuries, their consequences, and services to assist recovery* (Vol. 1). Rand Corporation.
- Yu, M.T.C., Ho, K. (2022). COVID and cognitive warfare in Taiwan. *Journal of Asian and African Studies*.